



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
ستاد همکاری حوزه سیاه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

بررسی نظام بودجه ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

این نوشتار برگرفته از ارائه سخنرانی دکتر محمدجواد توکلی

در اولین مدرسه تابستانه اقتصاد اسلامی می‌باشد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

سخنران: دکتر محمدجواد توکلی

ناظر علمی: دکتر حمیدرضا مقصودی، دکتر علی سعیدی، دکتر صادق سلمانی

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ویراستار: اسد عدالت پرور

واژه‌های کلیدی: نظام بودجه‌ریزی ایران، اقتصاد سیاسی اسلامی، شفافیت، پاسخگویی،

برنامه‌ریزی بلندمدت، عدالت اجتماعی.

شناسه گزارش: ۴۰۳۰۲۱۸۰۷۳۰

تاریخ نشر: اردیبهشت ماه ۱۴۰۳

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است. جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.
مطالب این نوشتار الزاماً نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی‌باشد.



فهرست مطالب

۶.....	مقدمه
۶.....	سه رکن اصلی اجتماع: تعلیم و تربیت، سیاست و اقتصاد
۷.....	بازی قدرت در میدان اقتصاد
۹.....	حافظه کوتاه‌مدت مردم و وعده‌های انتخاباتی
۱۰.....	طنزی تلخ: مجبور به انجام کارهای غلط در سیستمی معیوب
۱۱.....	چالش بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری
۱۲.....	نظریه ماشه ابن خلدون: گامی در جهت حل مشکل
۱۳.....	مبنای حکمرانی ولایی: تقوا و تخصص
۱۳.....	اقتصاد سیاسی: علم چندوجهی با ابعاد مختلف
۱۴.....	رابطه سرمایه‌گذاری و خروجی در تولید دانش
۱۶.....	اقتصاد بازار آزاد: مبنای پنهان برنامه‌ریزی‌ها
۱۸.....	دخالت نهادهای مختلف و عدم انسجام در تصمیم‌گیری
۲۳.....	چالش‌های نظام سیاسی و اقتصادی: در جستجوی راه‌حل‌های نو
۲۴.....	راهکارهای نوین برای ارتقای نظام بودجه‌ریزی
۲۴.....	پرسش و پاسخ انتهای نشست



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

باسمه تعالی

مقدمه

با سلام و احترام به تمامی حضار گرامی
امیدوارم این محفل پرفیض، سرآغازی برای بهره‌مندی هر چه بیشتر از معارف الهی و آموزه‌های ارزشمند مکتب عاشورا باشد. در ایام سوگواری شهادت سرور و سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) به سر می‌بریم و ضمن عرض تسلیت، آرزو مندیم که توفیق یابیم زائر اربعین حسینی باشیم و در این راهپیمایی عظیم و معنوی شرکت کرده، از فیوضات و برکات آن بهره‌مند شویم.
همانطور که می‌دانید، برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی از ارکان اصلی اداره هر کشوری به شمار می‌رود. در نظام اقتصادی ایران نیز برنامه‌های توسعه و قوانین بودجه سالانه تدوین و اجرا می‌شود. منطق حاکم بر قوانین بودجه این است که برنامه‌های پنج‌ساله به برش‌های یک‌ساله تبدیل شده و بودجه هر سال با هدف تحقق اهداف برنامه تدوین می‌شود. در این سخنرانی، قصد دارم به بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران از منظر اقتصاد سیاسی بپردازم.

سه رکن اصلی اجتماع: تعلیم و تربیت، سیاست و اقتصاد

همانطور که می‌دانید، جوامع پیچیده از اجزای مختلفی تشکیل شده‌اند که در تعامل با یکدیگر، ساختار و کارکرد جامعه را شکل می‌دهند. در این سخنرانی، قصد دارم به بررسی سه رکن اصلی اجتماع که نقش بنیادی در تداوم و پویایی آن ایفا می‌کنند، بپردازم: «نظام تعلیم و تربیت، نظام سیاسی و نظام اقتصادی».
نظام تعلیم و تربیت وظیفه‌ی مهم آموزش و پرورش نسل آینده را بر عهده دارد. این نظام با انتقال دانش، مهارت‌ها و ارزش‌ها به افراد، آن‌ها را برای ایفای نقش‌های مختلف در جامعه آماده می‌کند.
نظام سیاسی قواعد و ساختارهایی را برای اداره جامعه و توزیع قدرت در میان افراد و گروه‌های مختلف ایجاد می‌کند. این نظام شامل نهادها و فرآیندهایی است که از طریق آن‌ها تصمیمات عمومی گرفته و اجرا می‌شود. نظام سیاسی کارآمد، ثبات، امنیت و عدالت را در جامعه برقرار می‌کند و زمینه را برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌کند.



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

نظام اقتصادی به شیوه‌ی تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات در جامعه می‌پردازد. این نظام شامل فعالیت‌هایی مانند تولید، تجارت، سرمایه‌گذاری و مصرف است.

در کنار این سه رکن اصلی، نظام سیاست‌گذاری اقتصادی نیز نقشی کلیدی در هدایت و تنظیم فعالیت‌های اقتصادی ایفا می‌کند.

در این بخش، به بررسی چگونگی تأثیرگذاری نظام سیاسی بر نظام اقتصادی می‌پردازیم. نظام سیاسی از طریق ابزارها و روش‌های مختلفی بر نظام اقتصادی اثر می‌گذارد.

در نظام‌های دموکراتیک، سیاستمداران از طریق فرآیند انتخابات به قدرت می‌رسند و با اتکا به آرای مردم، برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی را تدوین و اجرا می‌کنند. این تعاملات بین نظام سیاسی و نظام اقتصادی، فرصت‌های بسیاری را برای پیشرفت و توسعه اقتصادی فراهم می‌کند؛ اما یکی از چالش‌های اصلی در تعاملات بین نظام سیاسی و نظام اقتصادی، به مشکل انتخاب یا نظریه آرو معروف است. این نظریه بیان می‌کند که در فرآیند تصمیم‌گیری جمعی، یافتن راه‌حلی که به نفع همه اعضای جامعه باشد، همواره دشوار و گاه غیرممکن است. دلیل این امر، وجود ترجیحات و منافع متضاد بین افراد و گروه‌های مختلف در جامعه است.

بازی قدرت در میدان اقتصاد

همانطور که در بخش‌های قبلی اشاره شد، نظام سیاسی و نظام اقتصادی دو رکن اصلی و به هم پیوسته در هر جامعه‌ای هستند. در این بخش، به بررسی یکی از چالش‌های مهم در تعاملات بین این دو نظام، با عنوان مشکل ادوار تجاری سیاسی می‌پردازیم. با نزدیک شدن به زمان انتخابات، شاهد افزایش تعاملات بین نمایندگان مجلس و وزرای مختلف، به ویژه در حوزه تخصیص منابع، هستیم. نمایندگان برای جلب نظر مردم و کسب آرای بیشتر، تلاش می‌کنند تا منابع را به سمت حوزه انتخابی خودشان جذب کنند. این امر، گاه به مداخله سیاستمداران در فرآیندهای اقتصادی و نادیده‌گیری مصالح عمومی منجر می‌شود. این مشکل، مختص به ایران نیست و در بسیاری از کشورهای دیگر نیز شاهد نمونه‌هایی از آن هستیم؛ برای مثال، می‌توان به رکود القای عمدی نیکسون در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۱ و سیاست‌های انبساطی در آمریکا نزدیک انتخابات ۱۹۷۲ اشاره کرد.



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

متخصصان علم اقتصاد سیاسی، به بررسی رفتار سیاستمداران در این فضا می‌پردازند. برخی از این نظریات، رفتار سیاستمداران را در چارچوب نظریه‌های اقتصادی مانند نظریه رفتار مصرف‌کننده و تولیدکننده تحلیل می‌کنند. در این نظریات، فرض بر این است که سیاستمداران نیز مانند مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، به دنبال حداکثر کردن مطلوبیت خود، یعنی کسب قدرت و حفظ آن، هستند.

بر اساس این دیدگاه، سیاستمداران از ابزارهای اقتصادی در اختیار خود، مانند تخصیص منابع، سیاست‌های پولی و مالی و ... برای افزایش قدرت و ماندگاری در مسند قدرت استفاده می‌کنند. آن‌ها به دنبال این هستند که با جلب رضایت مردم و کسب محبوبیت بیشتر، در انتخابات آتی پیروز شوند و به حاکمیت خود ادامه دهند.

در ادبیات اقتصاد سیاسی، بحث حزب نیز مطرح می‌شود. برخی از نظریات بیان می‌کنند که احزاب سیاسی نیز مانند سیاستمداران، به دنبال حداکثر کردن قدرت خود هستند. احزاب برای رسیدن به این هدف، از استراتژی‌های مختلفی مانند ارائه برنامه‌های جذاب انتخاباتی، جلب حمایت گروه‌های مختلف مردم و ... استفاده می‌کنند. لازم به ذکر است که این نظریات، صرفاً به عنوان تبیینی از رفتار سیاستمداران در اقتصاد سیاسی ارائه می‌شوند. هدف از ارائه این نظریات، تأیید یا رد درست یا غلط بودن آنها نیست، بلکه تلاش برای درک بهتر انگیزه‌ها و رفتارهای این افراد در فضای تعاملات بین نظام سیاسی و نظام اقتصادی است. همانطور که در یک ضرب‌المثل معروف آمده است، هیچ گربه‌ای برای رضای خدا موش نمی‌گیرد. در دنیای سیاست نیز، افراد به دنبال منافع و اهداف خود هستند و در بسیاری از موارد، این منافع و اهداف با مصالح عمومی هم‌سو نیستند.

در بسیاری از نظام‌های سیاسی، از جمله نظام جمهوری اسلامی ایران، انتخابات هزینه‌های سنگینی برای نامزدها به دنبال دارد. این هزینه‌ها صرف مواردی مانند تبلیغات، برگزاری جلسات و ... می‌شود. طبیعتاً این انتظار وجود دارد که نمایندگان پس از انتخاب شدن، به نحوی به حامیان خود پاسخگویی کنند. در غیر این صورت، ممکن است در انتخابات بعدی با عدم اقبال عمومی مواجه شوند.

فارغ از انگیزه‌های مختلف، یک عامل مهم در رفتار نمایندگان، طعم قدرت است. نشستن در جایگاه قدرت و اعمال نفوذ، حس خوشایندی را به همراه دارد که بسیاری از افراد به دنبال آن هستند. همین امر باعث می‌شود که بسیاری از نمایندگان، حتی در صورت عدم رضایت از عملکرد خود، تمایل به حفظ جایگاه خود در انتخابات بعدی



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

داشته باشند.

در این بخش، برای علاقمندان به مطالعه بیشتر در حوزه اقتصاد سیاسی، به دو منبع مفید اشاره می‌کنم: مقاله‌ای که در آن، خلاصه‌ای از نظریات اقتصاد اساسی ارائه کرده‌ام؛ همچنین کتاب اقتصاد کلان نوشته اسنودن، در یکی از فصول خود به طور کامل به بحث اقتصاد سیاسی و نظریات مختلف آن می‌پردازد. در این کتاب، مبانی اقتصاد سیاسی، مانند رفتار عقلایی یا غیرعقلایی رای‌دهندگان و سیاستمداران، و همچنین آرمان‌گرایی یا عدم آن، مورد بررسی قرار گرفته است.

حافظه کوتاه‌مدت مردم و وعده‌های انتخاباتی

متخصصان علم اقتصاد سیاسی، از مدل‌های مختلفی برای تحلیل تعاملات بین نظام سیاسی و نظام اقتصادی استفاده می‌کنند. یکی از این مدل‌ها، بر حافظه کوتاه‌مدت مردم تمرکز دارد. بر اساس این مدل، مردم به وعده‌های انتخاباتی که در زمان انتخابات به آنها داده می‌شود، تمایل زیادی نشان می‌دهند و به آن کاندیدا رای می‌دهند. اما با گذشت زمان، این وعده‌ها از یادشان می‌رود و در انتخابات بعدی، تحت تاثیر وعده‌های جدید کاندیداها دیگر قرار می‌گیرند. البته برخی این مدل را ساده‌انگارانه می‌دانند و معتقدند که عوامل دیگری نیز در رفتار رای‌دهندگان و سیاستمداران نقش دارند. در این بخش، به برخی از راه‌حل‌هایی که در علم اقتصاد سیاسی برای مقابله با چالش‌های تعاملات بین نظام سیاسی و نظام اقتصادی ارائه شده است، اشاره می‌کنیم:

- افزایش دسترسی به اطلاعات: با آگاهی بیشتر مردم، آنها می‌توانند انتخاب‌های آگاهانه‌تری در زمان انتخابات داشته باشند و از سوءاستفاده سیاستمداران از قدرت برای منافع شخصی یا حزبی جلوگیری کنند.

- استقلال بانک مرکزی: برخی از کارشناسان معتقدند که باید ابزار سیاست پولی را از دولت‌ها سلب کرد تا از مداخله آنها در امور اقتصادی برای کسب رای در انتخابات جلوگیری شود.

در این سلسله مباحث، به طور کلی به برخی از مدل‌های اصلی اقتصاد سیاسی و مفاهیم کلیدی این حوزه اشاره کردیم. بررسی عمیق‌تر هر کدام از این مدل‌ها و پیش‌فرض‌ها، پیش‌بینی‌ها و خروجی‌های آنها، می‌تواند موضوع بحث‌های آتی باشد.



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

نظام اقتصادی-سیاسی ایران پس از انقلاب، با الهام‌گیری از برخی از اصول نظام‌های دموکراتیک و اعمال اصلاحات و رفرم‌هایی، شکل گرفته است؛ برای مثال، در این نظام شاهد وجود نهادهایی مانند مجلس، رئیس‌جمهور، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت هستیم.

با وجود این که تلاش‌هایی برای ایجاد یک نظام کارآمد و مطلوب صورت گرفته است، اما شاهد نارضایتی‌های عمومی از خروجی این نظام، به ویژه در حوزه اقتصاد هستیم. مشکلاتی مانند تورم بالا، بیکاری و سایر چالش‌های اقتصادی، نشان می‌دهد که ساختار فعلی تصمیم‌گیری و سیاستگذاری اقتصادی به طور کامل کارآمد نیست که دلایل مختلفی می‌توان برای این ناکارآمدی متصور شد: «انتخاب‌های غلط مردم در زمان انتخابات؛ عملکرد ضعیف سیاستمداران و مدیران و...».

طنزی تلخ: مجبور به انجام کارهای غلط در سیستمی معیوب

برای درک بهتر چالش‌های نظام اقتصادی-سیاسی ایران، به این طنز تلخ توجه کنید: از فردی می‌پرسند اگر داخل دریا افتادی چه کار می‌کنی؟ او پاسخ می‌دهد: از درخت بالا می‌روم! با تعجب به او می‌گویند: مگر داخل دریا درخت هست؟! او در نهایت می‌گوید: مجبورم، می‌فهمی؟! مجبورم! این طنز، حکایتی از وضعیتی است که افراد خوب در سیستمی معیوب با آن مواجه می‌شوند.

فرض کنید شما به عنوان نماینده یک شهر انتخاب شده‌اید و یکی از وظایف شما، رسیدگی به آسفالت روستای دورافتاده‌ای در حوزه انتخابیه‌تان است؛ اما با کمبود قیر، مواجه می‌شوید. در چنین شرایطی، چاره‌ای جز متوسل شدن به وزیر راه و لابی‌گری برای حل مشکل ندارید. این لابی‌گری‌ها و تصمیم‌گیری‌های غیراصولی که برای حل مشکلات مقطعی انجام می‌شوند، می‌توانند پیامدهای ناگواری در بلندمدت به دنبال داشته باشند. برای مثال، در این مثال، ممکن است احداث پتروشیمی یا فولاد در کویر، به دلیل کمبود آب در منطقه، مشکلات زیست‌محیطی جدی ایجاد کند. برای حل این مشکل، طرح‌های انتقال آب از خلیج فارس یا سرشاخه‌های رودخانه‌ها به منطقه اجرا می‌شود که این امر نیز می‌تواند به تشدید تنش‌های آبی و تضییع حقوق سایر مناطق منجر شود.

این مثال، به وضوح نشان می‌دهد که نظام تصمیم‌گیری فعلی در حوزه اقتصاد و سیاست، ناپایدار و معیوب



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

است. تصمیماتی که در این نظام گرفته می‌شوند، نه تنها مشکلات را به طور ریشه‌ای حل نمی‌کنند، بلکه در بسیاری از موارد، مشکلات جدیدی را به وجود می‌آورند.

اگر حافظه تاریخی خود را مرور کنیم، نمونه‌های متعددی از بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری در نظام اقتصادی-سیاسی ایران مشاهده می‌کنیم؛ برای مثال، در حوزه مسکن، شاهد طرح‌هایی مانند مسکن مهر بودیم که در دولت‌های مختلف با استقبال یا مخالفت روبرو شده و در نهایت، سیاست‌های متناقضی در این زمینه اعمال شده است.

برخی معتقدند که این بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری، ریشه در ذات دموکراسی دارد. در نظام‌های دموکراتیک، دولت‌ها با رای مردم انتخاب می‌شوند و هر دولت، سلیقه و برنامه‌های خود را دارد. این امر می‌تواند منجر به تغییر سیاست‌ها در دولت‌های مختلف شود. برخی دیگر، رودروایی را عامل اصلی این بی‌ثباتی می‌دانند. به اعتقاد آنها، سیاستمداران به جای اتخاذ تصمیمات درست و اصولی، به دنبال جلب نظر گروه‌های مختلف و حفظ قدرت خود هستند و این امر منجر به اتخاذ تصمیمات متناقض و غیرقابل پیش‌بینی می‌شود.

اگر اقتصاد را به یک ماشین تشبیه کنیم، در نظام اقتصادی-سیاسی ایران شاهد رانندگان شیفی هستیم. هر دولتی که روی کار می‌آید، مانند یک راننده جدید، سیاست‌های خاص خود را اعمال می‌کند و ممکن است مسیر حرکت ماشین را تغییر دهد. این امر، ثبات و انسجام در سیاست‌های اقتصادی را از بین می‌برد و مانع از برنامه‌ریزی بلندمدت برای توسعه اقتصادی می‌شود.

چالش بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری

بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری، یکی از چالش‌های اساسی نظام اقتصادی-سیاسی ایران است و این مشکل، مختص به ایران نیست و در بسیاری از کشورهای دیگر نیز وجود دارد. خوشبختانه، در علم اقتصاد سیاسی و در ادبیات نظری مرتبط با آن، به این موضوع توجه شده و راه‌حل‌هایی برای حل این مشکل ارائه شده است. یکی از راه‌حل‌های پیشنهادی، ایجاد شوراهای سیاست‌گذاری بلندمدت است.

این شوراها با حضور متخصصان و کارشناسان از حوزه‌های مختلف، وظیفه دارند که در مورد مسائل اقتصادی و اجتماعی به طور بلندمدت برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری کنند. وجود این احزاب می‌تواند از تغییر ناگهانی سیاست‌ها



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

در دولت‌های مختلف جلوگیری کند و ثبات و انسجام را در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی افزایش دهد. اگر احزاب به جای تمرکز صرف بر پیروزی در انتخابات، به دنبال برنامه‌ریزی بلندمدت و ارائه راه‌حل‌های اصولی برای مشکلات کشور باشند، می‌توانند ثبات و انسجام را در نظام اقتصادی-سیاسی ارتقا دهند.

نظریه ماشه ابن خلدون: گامی در جهت حل مشکل

با وجود سابقه غنی علم اقتصاد در تمدن اسلامی، در ادبیات اقتصاد اسلامی به طور خاص به موضوع مشکل اقتصاد سیاسی و راه‌حل‌های آن توجه زیادی نشده است. اکثر متون و نظریات موجود در این حوزه، بیشتر بر مبانی اخلاقی و فقهی اقتصاد تمرکز دارند و کمتر به بررسی چالش‌های ساختاری و نهادی در نظام‌های اقتصادی-سیاسی می‌پردازند. یکی از معدود نظریات در ادبیات اقتصاد اسلامی که می‌تواند به عنوان راه‌حلی برای مشکل اقتصاد سیاسی مورد توجه قرار گیرد، نظریه ماشه است. این نظریه که به ابن خلدون، مورخ و فیلسوف مسلمان قرن هشتم، نسبت داده می‌شود، به بررسی عوامل افول تمدن‌ها می‌پردازد.

اقتصاددانان مسلمانی مانند چپرا، از نظریه ماشه ابن خلدون برای تحلیل افول تمدن اسلامی استفاده کرده‌اند. در این تحلیل، مکانیزم ماشه به عنوان عاملی کلیدی در تضعیف و فروپاشی ساختارهای سیاسی و اقتصادی در جهان اسلام معرفی می‌شود.

ابن خلدون، مورخ و فیلسوف مسلمان قرن هشتم، در کتاب مقدمه خود به بررسی علل انحطاط تمدن اسلامی می‌پردازد. او معتقد است که توسعه یا پیشرفت یا به قول خود عمران یک پدیده چندوجهی است که ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دارد و برای تمدن‌سازی و آبادانی لازم است که چرخ‌دنده‌های فرهنگ، سیاست و اقتصاد با هم کار کنند.

چپرا، اقتصاددان مسلمان، با استفاده از نظریه ماشه ابن خلدون، به تحلیل انحطاط تمدن اسلامی می‌پردازد. او معتقد است که نظام سیاسی در تمدن اسلامی، نقش ماشه را داشته و اختلال در این نظام، باعث ایجاد مشکل در فرهنگ و اقتصاد و در نهایت انحطاط تمدن شده است. چپرا در مورد نقطه عطف انحطاط تمدن اسلامی، به اختلال در نظام سیاسی اشاره می‌کند.



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

چپرا معتقد است که انتخاب یزید به عنوان جانشین معاویه و ایجاد نظام پادشاهی موروثی، ماشه افول تمدن اسلامی را چکاند. این اقدام، اختلال در نظام سیاسی را به وجود آورد و پیامدهای منفی متعددی به دنبال داشت. به عقیده او، اختلال در نظام سیاسی منجر به فساد اقتصادی و فساد فرهنگی شد.

فساد اقتصادی، ثبات و انسجام اقتصادی را از بین برد و زمینه را برای سوءاستفاده و ثروت‌اندوزی عده‌ای خاص فراهم کرد و فساد فرهنگی نیز، ارزش‌ها و اخلاقیات جامعه را تضعیف کرد و به انحطاط و افول تمدن اسلامی دامن زد. از دست دادن آندلس توسط مسلمانان، یکی از نمادهای بارز انحطاط تمدن اسلامی است.

در مقابل نظریه چپرا، برخی معتقدند که ماشه افول تمدن اسلامی زودتر از زمان معاویه و یزید و هنگام انتخاب خلیفه در سقیفه و تبدیل نظام حکمرانی ولایی به نوعی نظام دموکراسی محدود قبیله‌ای، کشیده شده است.

مبانی حکمرانی ولایی: تقوا و تخصص

حکمرانی ولایی بر دو رکن اصلی تقوا و تخصص استوار است. تقوا به معنای پرهیز از گناه و تمایلات نفسانی و تخصص به معنای داشتن دانش و مهارت لازم برای اداره امور جامعه است. در این نظریه انتظار می‌رود که حاکم به دلیل تقوا و عدم تعارض منافع، منافع عمومی را در اولویت قرار دهد و از تخصص خود برای اداره امور جامعه به بهترین نحو استفاده کند.

ایران، تجربه‌ای دوگانه از ولایت و دموکراسی دارد. در نظام سیاسی فعلی ایران، ولایت فقیه به عنوان حاکم بر اساس اصل ولایت فقیه در قانون اساسی تعیین می‌شود. در عین حال، انتخابات نیز در این نظام برگزار می‌شود و مردم در انتخاب نمایندگان خود در مجلس و سایر نهادها مشارکت می‌کنند.

اقتصاد سیاسی: علم چندوجهی با ابعاد مختلف

اقتصاد سیاسی علمی چندوجهی است که ابعاد مختلفی مانند سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی و فرهنگ را در بر می‌گیرد. برای حل مشکلات اقتصادی-سیاسی نیاز به رویکردی جامع و بین‌رشته‌ای است که همه این ابعاد را به طور همزمان در نظر بگیرد.

در این زمینه تلاشی به مدت چهار سال برای جمع‌آوری علما و متخصصان در حوزه‌های مختلف سیاسی،



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با هدف تفهیم چندبعدی اقتصاد سیاسی انجام شده است. اما این تلاش به دلیل عدم درک متقابل و زبان محاوره‌ای متفاوت این متخصصان، موفق نبوده است.

با وجود برگزاری جلسات و تبادل نظر در این کرسی‌ها، انگیزه‌ای برای ادامه دادن این مسیر وجود نداشته است و دلیل این امر اختلاف نظر و عدم درک متقابل بین متخصصان می‌باشد؛ برای مثال، متخصصان علوم سیاسی با نگاه اسلامی بر مبانی مردم‌سالاری دینی تاکید دارند، اما متخصصان اقتصاد سیاسی معتقدند که این مبانی از نظر اقتصادی کارآمد نیستند و شکست خورده‌اند.

ابن خلدون، فیلسوف و مورخ نامدار مسلمان، ریشه مشکلات تمدن اسلامی را در نظام سیاسی می‌داند. برخی از اندیشمندان، نظریه ابن خلدون را به طور کامل قبول ندارند. آنها معتقدند که فقر نیز می‌تواند به عنوان عامل مستقلى در ایجاد مشکلات و مانع از حل آنها باشد و همچنین به چرخه‌های باطل فقر در ادبیات توسعه اشاره می‌کنند. چرخه معیوب بین نظام آموزشی و نظام سیاسی مثالی از مسیرهای غیراصولی برای حل مشکل است که اگر مشکل را در نظام آموزشی ببینیم، راه حل را در اصلاح نظام آموزشی می‌دانیم.

برای مثال، گروهی به موسسه امام خمینی (ره) مراجعه کرده و گفته بودند که حاضریم بیست سال به شما پول بدهیم تا شما یک وزیر اقتصاد برای ما تربیت کنید. اما سیستم تولید علم به این صورت نیست که با دادن پول، بتوان در مدت کوتاهی وزیر اقتصاد تربیت کرد.

رابطه سرمایه‌گذاری و خروجی در تولید دانش

درست است که سرمایه‌گذاری در تولید دانش می‌تواند به خروجی منجر شود، اما این فرآیند پیچیده است و نیاز به شرایط و بسترهای مناسب دارد.

آقای دین‌پرست با مطالعه نطق‌های نمایندگان پیش از دستور به این نتیجه رسیده است که نزدیک به ۵۳ درصد از این نطق‌ها به مسائل مربوط به حوزه‌های انتخاباتی اختصاص دارد. این موضوع نشان می‌دهد که دغدغه اصلی برخی نمایندگان پاسخگویی به رای‌دهندگان است. تمرکز بر پاسخگویی به رای‌دهندگان می‌تواند منجر به دخالت در بودجه و برنامه و در نهایت به خروجی‌های نامناسب شود.



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

سوال اصلی این است که ریشه مشکلات در انسان‌ها است یا در سیستم؟ به نظر می‌رسد که ترکیبی از این دو باعث ایجاد مشکلات می‌شود. گاهی اوقات انسان‌های تاثیرگذار مانند مهاتیر محمد در مالزی می‌توانند تحولاتی ایجاد کنند. اما در مواقعی دیگر ساختارها مانند زمین بازی سیاست، مانع از ایجاد تحول می‌شوند.

فرض کنید زمین فوتبالی دارید که چمنش خوب نیست و پر از چاله است. اگر بهترین بازیکنان دنیا مانند مسی و رونالدو را به این زمین بیاورید، در اولین ضربه به زمین می‌افتند و پایشان پیچ می‌خورد. در چنین شرایطی، آنها نمی‌توانند بازی کنند. در اقتصاد سیاسی نیز فضای نامناسب می‌تواند مانعی برای نمایندگان باشد. اگر نماینده‌ای درگیر مسائل غیرمرتبط با وظایف خود باشد، به ناچار به مسائل غیرمسئولانه واکنش نشان می‌دهد؛ همچنین مقام معظم رهبری در چند سال اخیر بر ضرورت اصلاح ساختار بودجه تاکید کرده‌اند. ایشان از سال ۱۳۹۷ بحث اصلاح ساختار را مطرح و بر اهمیت آن تاکید فرموده‌اند.

در ادامه بحث اصلاح ساختار بودجه به دو سنخ مشکل در این زمینه می‌پردازیم: مشکلات سنخ اول، مشکلاتی که ریشه در مبانی و ارزش‌های اسلامی دارند و مشکلات سنخ دوم که ناشی از ناکارآمدی‌ها و سوءمدیریت‌ها در نظام بودجه‌ریزی هستند.

یکی از مشکلات سنخ اول در بودجه‌ریزی ایران فقدان نظریه بومی برای این موضوع است. رویکردهای موجود در بودجه‌ریزی ایران، اقتباسی از نظریه‌های غربی هستند.

قانون برنامه و بودجه ایران که مبنای نظام بودجه‌ریزی فعلی است، در سال ۱۳۵۱ به تصویب رسیده است، مانعی بر سر راه اصلاحات ساختاری در نظام بودجه‌ریزی محسوب می‌شود. این قانون قدیمی نیاز به اصلاحات اساسی دارد تا با نیازها و شرایط روز سازگار شود. اخیراً نمایندگان مجلس در کمیسیون اصلاح ساختار بودجه کارهایی را برای اصلاح قانون برنامه و بودجه آغاز کرده‌اند.

برای مثال، در قانون برنامه و بودجه وزیر دارایی و وزیر اقتصاد از یکدیگر تفکیک شده‌اند. اما در حال حاضر، وزارت اقتصاد مسئول تنظیم سیاست‌های اقتصادی است؛ همچنین وزارت اقتصاد هیچ ابزار سیاستی در اختیار ندارد؛ در نهایت سیاست‌های پولی در اختیار بانک مرکزی است، سیاست‌های مالی (مالیات و بودجه) در اختیار مجلس و سازمان برنامه و سیاست‌های تجاری در اختیار وزارت جهاد کشاورزی است. در حال حاضر، نقش



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

اصلی وزارت اقتصاد به سخنگویی و پاسخگویی به سوالات عمومی در مورد مسائل اقتصادی تبدیل شده است. این وزارتخانه ابزاری برای اعمال سیاست‌های اقتصادی ندارد و بیشتر به وزارت خزانه‌داری و وزارت مالیات‌ستانی تبدیل شده است.

یکی از مشکلات نظام مالیاتی ایران تمرکز بر وصول مالیات به جای تنظیم آن است. در نظام ارزیابی فعلی وزارت اقتصاد، ملاک موفقیت، میزان مالیات وصول شده است و هیچ توجهی به مالیات تنظیمی که با هدف هدایت رفتارها و اصلاح ساختارها وضع می‌شود، وجود ندارد.

اقتصاد بازار آزاد: مبنای پنهان برنامه‌ریزی‌ها

اگر برنامه‌های توسعه و قوانین بودجه ایران را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که یک نوع اقتصاد بازار آزاد به عنوان پیش‌زمینه در برنامه‌ریزی توسعه و بودجه‌ها وجود دارد. نگاهی به سابقه برنامه‌ریزی‌های توسعه ایران بعد از جنگ نشان می‌دهد که اولین مورد در دولت آقای هاشمی بر اقتصاد بازار آزاد تمرکز داشته است. نظریه مبنای پنهان در برنامه‌ریزی‌های توسعه ایران این است که اقتصاد بازار آزاد، اقتصاد خوبی است و اگر امور به بازار واگذار شود، اوضاع بهتر می‌شود. اقتصاد بازار آزاد در ایران به طور کامل و صحیح اجرا نشده است و تنها بخش‌هایی از آن اجرا شده و ترکیب ناهمگونی از سیاست‌های مختلف به کار گرفته شده است. با وجود اجرای ناقص و ناهمگون اقتصاد بازار آزاد در ایران، در برخی موارد شاهد موفقیت‌هایی نیز بوده‌ایم.

برخی معتقدند که برنامه‌های توسعه ایران به طور کامل اجرا نشده‌اند و مثلاً ۲۰ تا ۳۰ درصد از آنها معطل مانده است؛ اما در مقابل، برخی دیگر معتقدند که برخی قسمت‌های برنامه‌های توسعه به طور کامل و صحیح اجرا شده‌اند. دو نمونه از برنامه‌های توسعه‌ای که به طور کامل اجرا شده‌اند عبارتند از:

- کنترل جمعیت: برنامه کنترل جمعیت به طور مستحکم و با قوت اجرا شد و اکنون عواقب آن مانند سالمندی جمعیت در حال آشکار شدن است.

- خصوصی‌سازی: برنامه تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی اجرا شد و منجر به ایجاد بانک‌های خصوصی شد که اکنون به یکی از معضلات اقتصاد ایران تبدیل شده‌اند.



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

در طرح هدفمندسازی یارانه‌ها به جای اتصال یارانه به نظام مالیاتی از تغییر قیمت حامل‌های انرژی برای پرداخت یارانه استفاده شد. افزایش قیمت حامل‌های انرژی به تورم منجر شد و میزان یارانه هیچگاه به اندازه تورم افزایش نیافت. یکی از اصلاحات ساختاری که در حال حاضر برای بودجه مطرح می‌شود تغییر در تبصره ۱۴ است. ارتباط نظام حمایتی با نظام تغییر قیمت ارتباط صحیحی نیست. برای عملکرد صحیح نظام حمایتی باید از ثروتمندان مالیات گرفته شود و این مالیات به نیازمندان تعلق گیرد.

برای بررسی یک موضوع باید آن را از عدالت جدا کرد؛ مثلاً اگر پراید خودرویی کم‌مصرف نیست این موضوع به عدالت ربطی ندارد. در بحث تعدیل ساختاری مصاحبه‌ای از آقای دکتر نمازی وجود دارد که به تاثیرگذاری صندوق بین‌المللی پول (IMF) بر برنامه توسعه سوم ایران می‌پردازد. ایشان در این مصاحبه بیان می‌کنند که گروهی از این کارشناسان به ایران آمدند و پیشنهاداتی برای تعدیل ساختاری ارائه دادند. دکتر نمازی در این مصاحبه می‌گویند که با این ایده‌ها مخالف بودند و آنها را امضا نکردند؛ اما این ایده‌ها در برنامه توسعه سوم گنجانده شد و اجرا شد. سیاست‌های تعدیل ساختاری شامل آزادسازی قیمت‌ها، یارانه‌زدایی و کوچک‌سازی دولت بود.

یکی از مشکلات فرایند بودجه‌ریزی ایران مداخلات غیرکارشناسی در این فرایند است. مشکل دیگر فرایند بودجه‌ریزی ایران عدم انطباق بودجه با برنامه‌های توسعه است. بودجه باید برشی از برنامه‌های توسعه باشد اما در حال حاضر بین این دو گسست وجود دارد. در سند چشم‌انداز برنامه‌های توسعه، نرخ رشد اقتصادی متوسط ۸ درصد برای ده سال آینده پیش‌بینی شده بود اما در عمل، این نرخ به ۱ درصد هم نرسیده است. همچنین در این سند، تورم تک‌رقمی هدف‌گذاری شده بود اما در حال حاضر، تورم به ۴۷/۵ درصد رسیده است (طبق آخرین آمار مرکز آمار). مشکل دیگر فرایند بودجه‌ریزی ایران عدم شفافیت در گزارش‌دهی بودجه است.

یکی از مشکلات منابع بودجه ایران وابستگی شدید به درآمدهای نفتی و فروش سرمایه‌های ملی است. اخیراً برای جبران کمبود منابع، به سمت استقراض با اوراق بهادار حرکت شده است اما این موضوع در آینده مشکلاتی را به وجود خواهد آورد.



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

در بخش مصارف بودجه نیز مشکلات عدیده‌ای وجود دارد. عمده بودجه (حدود ۸۳٪) صرف هزینه‌های جاری می‌شود و تنها ۱۷٪ به بودجه عمرانی اختصاص می‌یابد. با چنین تخصیص بودجه‌ای، عملاً امکان انجام فعالیت‌های عمرانی و توسعه‌ای به نحو مطلوب وجود ندارد. بودجه به ابزاری برای توسعه تبدیل نشده و صرفاً به امورات جاری اختصاص می‌یابد؛ فرض کنید یک خانواده می‌خواهد خود را توسعه دهد. اما ۸۰ درصد درآمد این خانواده صرف هزینه‌های خوراک و زندگی روزمره می‌شود و تنها ۲۰ درصد برای سرمایه‌گذاری و پیشرفت باقی می‌ماند.

سوالات و ابهامات زیادی در خصوص تخصیص بودجه وجود دارد. یکی از این ابهامات، نحوه تخصیص بودجه عمرانی است. یک ترفند که برای حل این مشکل پیشنهاد شده است ترکیب بودجه نفت و بودجه عمرانی است. در این روش، ۲ درصد از بودجه نفت هر سال به صندوق توسعه ملی اختصاص می‌یابد تا صرف فعالیت‌های عمرانی شود. در برنامه هفتم توسعه، بند جدیدی نیز به این موضوع اختصاص یافته است. طبق این بند، سهم ثابتی از بودجه نفت به دولت اختصاص می‌یابد و سایر منابع به صندوق توسعه ملی واریز می‌شود. برای حل چالش تخصیص بودجه به کار بر روی نظریه بومی در این حوزه و نیز ارائه پیشنهادات خاص برای اصلاحات ساختاری نیاز است.

دخالت نهادهای مختلف و عدم انسجام در تصمیم‌گیری

یکی از مشکلات ساختاری بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی توسعه در ایران دخالت نهادهای مختلف در این فرایند است. این نهادها گاه با یکدیگر هماهنگی لازم را نداشته و منافع متضادی را دنبال می‌کنند. یک نمونه بارز از این ناهماهنگی‌ها، بحث قانون کار است. قانون کار در مجلس به تصویب رسید اما توسط شورای نگهبان رد شد و در نهایت مجمع تشخیص مصلحت نظام آن را تأیید کرد. برخی معتقدند که خود قانون کار یکی از موانع توسعه کشور است.

این قانون با ایجاد محدودیت‌های زیاد برای کارفرمایان، زمینه را برای گسترش قراردادهای غیررسمی و عدم شمول بیمه کارگران فراهم کرده است. در حال حاضر، بازار کار با حجم وسیعی از قراردادهای غیررسمی و بدون



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

بیمه مواجهه است و نه کارفرمایان و نه کارگران از این وضعیت راضی نیستند.

پیشنهاد برخی از افراد برای حل مشکلات قانون کار الهام‌گرفته از تجربیات برخی کشورهای دیگر است. در این سیستم، دست کارفرما برای تعدیل نیرو بازتر خواهد بود و در مقابل، کارگران از نظام بیمه بیکاری بهره‌مند خواهند شد. در صورت اخراج از کار، کارگران تا زمان یافتن شغل جدید، از مزایای بیمه بیکاری برخوردار خواهند بود. یکی از چالش‌های اصلی در خصوص اصلاح قانون کار مقاومت ذی‌نفعان است. قوانینی که ذی‌نفعان قدرتمندی دارند، به سختی قابل تغییر هستند.

مشکل بودجه‌ریزی در ایران عدم شفافیت در فرآیند بودجه‌ریزی، به‌ویژه در مورد بودجه شرکت‌های دولتی است. بودجه شرکت‌های دولتی که بیش از ۶۰ درصد بودجه کل کشور را تشکیل می‌دهند، به طور شفاف به مجلس ارائه نمی‌شود و معمولاً بدون بحث و بررسی دقیق در مجلس تصویب می‌شود.

یکی از چالش‌های اساسی بودجه‌ریزی در ایران اتکای بیش از حد به منابع غیرپایدار، مانند فروش سرمایه و استقراض است. در حال حاضر، بیش از ۵۰ درصد بودجه از طریق فروش نفت و استقراض تأمین می‌شود. این امر وابستگی بودجه به نوسانات قیمت نفت و افزایش بدهی‌های دولت را به دنبال دارد.

سهم مالیات در بودجه ایران نسبتاً پایین است و حدود ۳۸ درصد از کل بودجه را تشکیل می‌دهد. این امر نشان‌دهنده عدم استفاده کافی از ظرفیت‌های مالیاتی کشور و اتکای بیش از حد به منابع غیرمالیاتی است. با بررسی سهم نفت و گاز در بودجه، با در نظر گرفتن صندوق توسعه ملی، این سهم به بالای ۳۸ درصد نیز می‌رسد. حجم واگذاری اموال غیرمنقول در بودجه ۱۴۰۲ بسیار بالا و حدود ۱۰۶ هزار میلیارد تومان است. این امر نشان‌دهنده اتکای بیش از حد بودجه به فروش اموال دولتی برای تأمین منابع است. کسری تراز عملیاتی در بودجه ۱۴۰۲ حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان است. این رقم معادل ۲۲ درصد از کل بودجه و ۳۱ درصد از بودجه جاری است. کسری تراز عملیاتی نیز نشان‌دهنده عدم تعادل بین درآمدها و هزینه‌های دولت است. متأسفانه در تحلیل بودجه، تمایل به تمرکز بر دولت به عنوان شرور و مقصر اصلی مشکلات اقتصادی وجود دارد. این رویکرد ساده‌انگارانه و ناکارآمد است و به جای حل مشکلات، آنها را تشدید می‌کند.

برخی منتقدان، نظام بانکی را به دلیل وجود تسهیلات تکلیفی (تسهیلات بانکی که دولت به بانک‌ها ابلاغ



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

می‌کند) مقصر مشکلات اقتصادی می‌دانند. آنها معتقدند این تسهیلات، منابع بانکی را از مسیر اصلی خود منحرف کرده و به ناکارآمدی نظام بانکی منجر شده است. اما در مقابل، این افراد از خلق پول توسط بانک‌ها و نقش آن در تورم و بی‌ثباتی اقتصادی غفلت می‌کنند.

نظام نظارتی بر بانک‌ها در ایران کارآمد نیست و بانک‌ها، به ویژه بانک‌های خصوصی، به راحتی می‌توانند اقدام به پول‌پاشی و اعطای تسهیلات بدون ضمانت و وثیقه کافی کنند. این امر به افزایش نقدینگی و تورم در اقتصاد کمک می‌کند. متأسفانه، گفتمان غالب در خصوص نظام بانکی در ایران، گفتمانی غلط و انحرافی است. در این گفتمان، دولت به عنوان شرور مطلق و مسبب تمام مشکلات اقتصادی معرفی می‌شود و در مقابل، بانک‌ها به عنوان فرشته نجات و عامل رونق اقتصادی تلقی می‌شوند. این گفتمان نادرست، مانع از اصلاحات لازم در نظام بانکی و حل مشکلات اقتصادی کشور می‌شود.

برای حل مشکلات نظام بانکی، ابتدا باید مرض‌شناسی درستی از این نظام ارائه دهیم. تا زمانی که ریشه مشکلات به درستی شناسایی نشوند، ارائه نسخه صحیح برای حل آنها غیرممکن خواهد بود. در این راستا، باید به جای تمرکز صرف بر تسهیلات تکلیفی و سرزنش دولت، به نقش خلق پول توسط بانک‌ها و نظارت ناکافی بر آنها توجه کرد؛ همچنین، باید گفتمان غالب در خصوص نظام بانکی را اصلاح کرد و از ترویج نگاه دولت‌شرور، بانک‌ها فرشته نجات پرهیز نمود.

برای درک بهتر این موضوع، می‌توان از مثالی استفاده کرد. فرض کنید فردی به دلیل درد در دست به پزشک مراجعه می‌کند. اگر پزشک فقط به درد دست توجه کند و برای آن پماد یا دارو تجویز کند، مشکل حل نخواهد شد. زیرا ممکن است ریشه درد در ستون فقرات یا سایر نقاط بدن باشد. در تحلیل اقتصادی نیز باید به همین صورت عمل کرد. تمرکز صرف بر پول و نقدینگی مانند تمرکز بر درد دست است. برای حل مشکلات اقتصادی، باید نگاهی عمیق‌تر داشت و ریشه‌های اصلی این مشکلات را در ساختارها، سیاست‌ها و عملکردها جستجو کرد.

تمرکز صرف بر پول و نقدینگی و سرزنش دولت برای مشکلات اقتصادی، مانند ماساژ دست در حالی که مشکل ستون فقرات است، راه حل نیست. راه حل اصلی، اصلاح نظام بانکی و مهار بانک‌های خصوصی است. تا زمانی که نظام بانکی اصلاح نشود و بانک‌ها به خلق پول و تورم ادامه دهند، مشکلات اقتصادی حل نخواهند شد.



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

نوسانات شدید نرخ ارز، مانند خوردن آبگوشت چرب است که عطش را افزایش می‌دهد. افزایش نرخ ارز، هزینه‌های تولید را بالا می‌برد و تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را به دریافت تسهیلات بانکی و خلق پول بیشتر سوق می‌دهد. کنترل نرخ ارز و مهار تورم، از طریق سیاست‌های پولی و ارزی مناسب، گامی اساسی در جهت حل مشکلات اقتصادی است. متأسفانه، در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی ایران، کسری بودجه به جای نرخ ارز در اولویت قرار دارد. این امر، سیاست‌های اقتصادی را از مسیر صحیح دور می‌کند و به سیاست‌های مالی انقباضی و بودجه‌ای منجر می‌شود که خود مشکل‌زاست.

سهم بودجه عمرانی در سال‌های اخیر به طور قابل توجهی کاهش یافته است و این امر منجر به افزایش تعداد طرح‌های نیمه‌کاره در کشور شده است. طرح‌های نیمه‌کاره، منابع مالی را به هدر می‌دهند و هزینه‌های زیادی را به کشور تحمیل می‌کنند.

برخی از نمایندگان مجلس، در جریان بررسی لوایح بودجه، تغییرات غیرکارشناسی در آنها ایجاد می‌کنند که منجر به تخصیص اعتبارات نادرست و اتلاف منابع می‌شود؛ به عنوان مثال، ممکن است برای یک پروژه خاص، بودجه‌ای ناچیز در نظر گرفته شود و پس از تصویب، در مراحل بعدی بودجه‌ریزی، اعتبارات آن به طور قابل توجهی افزایش یابد. حفظ و نگهداری طرح‌های نیمه‌کاره، هزینه‌های زیادی را به کشور تحمیل می‌کند. این هزینه‌ها، در برخی موارد، بیشتر از هزینه‌های تکمیل خود پروژه است.

در نظام بودجه‌ریزی فعلی، فرهنگ جایگاه بسیار نازلی دارد. این بودجه در زیربخش تربیت بدنی قرار داده شده است. این امر نشان‌دهنده عدم توجه کافی به اهمیت فرهنگ در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور است. در رویکرد فعلی بودجه‌ریزی، فرهنگ و دین به عنوان عناصری طفیلی تلقی می‌شوند که مخاطره‌ای جدی برای هویت فرهنگی و مذهبی جامعه است. سهم دین و مذهب در بودجه کل کشور، تنها ۰/۰۳ درصد می‌باشد که در مقایسه با سایر بخش‌ها، بسیار ناچیز است و متأسفانه، در زمان بررسی بودجه، حمله‌های رسانه‌ای و فکری علیه نهادهای دینی افزایش می‌یابد.

در حال حاضر، ۷۵ درصد بودجه سلامت به درمان و ۲۵ درصد به پیشگیری اختصاص می‌یابد و این تناسب، نامناسب و غیرمنطقی است. با توجه به ساختار فعلی نظام سلامت و وجود ذی‌نفعان در این بخش، بیمار شدن



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

مردم به نفع برخی افراد و گروه‌ها است؛ به عنوان مثال، نمایندگان مجلس که در بخش درمان فعال هستند، منفعت خود را در افزایش تقاضا برای خدمات درمانی می‌بینند؛ در حالی که منطق نظام سلامت باید پیشگیری از بیماری و کاهش هزینه‌های درمان باشد، سیستم فعلی به گونه‌ای عمل می‌کند که بیمار شدن مردم به نفع ذی‌نفعان است. برای حل مشکلات نظام سلامت، اصلاحات اساسی در این بخش ضروری است و باید سهم پیشگیری در بودجه سلامت افزایش یابد و توجه بیشتری به آموزش بهداشت و ترویج سبک زندگی سالم شود؛ همچنین، باید منافع ذی‌نفعان در نظام سلامت کنترل شود و از تضاد منافع در این بخش جلوگیری کرد.

برای حل ریشه‌ای مشکلات اقتصادی ایران، نیازمند اصلاحات مبنایی، ساختاری و بودجه‌ای هستیم. این اصلاحات باید در حوزه‌های مختلفی مانند نظام بانکی، نظام بودجه‌ریزی، نظام مالیاتی، نظام یارانه‌ای و ... صورت گیرد. بسیاری از نظریه‌های اقتصادی رایج در ایران، با آموزه‌های اسلامی مغایرت دارند. برای حل مشکلات اقتصادی، باید به منابع غنی فکری و نظری اسلام توجه کرد و از نظریه‌های اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی استفاده نمود. در مورد منابع و مصارف اقتصادی در ایران، سوالات کلیدی و بی‌شماری وجود دارد که برخی از این سوالات عبارتند از: «نقش دولت در استفاده از منابع نفتی چیست؟ حکم شرعی انتشار اوراق قرضه چیست؟ یا نحوه استفاده از انفال در بودجه چگونه باید باشد؟»

نقش انفال در اقتصاد ایران چه باید باشد؟ آیا باید از انفال برای تامین بودجه عمرانی استفاده کرد و در صورت استفاده از انفال برای بودجه عمرانی، چه سازوکاری باید وجود داشته باشد؟

اولین قدم در تدوین نظریه مبنای برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی اسلامی، تعیین نقش دولت در نظام اسلامی است که سه رویکرد اصلی در این زمینه وجود دارد:

دولت نگهبان: دولت فقط وظایف حداقلی مانند حفظ نظم و امنیت و تامین عدالت را بر عهده دارد.
دولت آتش‌نشان: دولت وظایف گسترده‌تری دارد و در مواقع بحرانی و اضطراری، به طور فعال در امور اقتصادی و اجتماعی دخالت می‌کند.

دولت آتش‌زا: دولت خود می‌تواند عامل ایجاد مشکلات و چالش‌ها در جامعه باشد.
اگر هدف ما اقامه قسط و عدل در اقتصاد اسلامی باشد، باید ساختار دولت و نحوه بودجه‌ریزی را متناسب با



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

این هدف بازنگری کنیم. ساختار بودجه‌ریزی فعلی، تناقضات متعددی با مفهوم اقامه قسط و عدل دارد. برخی از این تناقضات عبارتند از: «قرار گرفتن دین و اخلاق در زیربخش تفریح در بودجه‌بندی؛ اختصاص سهم ناچیز به امور دینی و اخلاقی در مقایسه با سایر بخش‌ها؛ عدم توجه کافی به نقش دین و اخلاق در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی».

در حالی که در قانون بودجه سال ۱۳۵۱ بر تمرکززدایی در بودجه‌ریزی تأکید شده بود، اقدامات فعلی نشان‌دهنده تمرکز روزافزون بودجه‌ریزی در پایتخت است. این امر، تضعیف اختیارات استان‌ها و عدم توجه به نیازهای و مشکلات خاص هر منطقه را به دنبال دارد. برای این مورد نیازمند ایده‌پردازی و طراحی دقیق هستیم که این وضعیت باید با توجه به شرایط و ساختار سیاسی و اقتصادی کشور ایران انجام شود.

در دوره قبل، شاخص عدالت به عنوان یکی از معیارهای توزیع عادلانه بودجه در نظر گرفته شده بود که این شاخص بر اساس معکوس درآمد سرانه عمل می‌کرد و به مناطق کم‌درآمد بودجه بیشتری تعلق می‌گرفت. با وجود تصویب این شاخص در مجلس، شورای نگهبان و مجلس آن را حذف کردند.

با بررسی پایان‌نامه‌ها و مقالات در حوزه اقتصاد، شاهد تمرکز بیش از حد بر موضوعات کم‌اهمیت و غفلت از مسائل کلیدی مانند عدالت در بودجه‌ریزی هستیم. بسیاری از مدل‌های رگرسیون پیچیده برای مطالعات بی‌ارزش به کار گرفته می‌شوند؛ در حالی که مسائل مهم و کاربردی مانند عدالت بودجه‌ریزی به درستی مورد توجه قرار نمی‌گیرند. برای حل مشکلات اقتصادی و ترویج عدالت در بودجه‌ریزی، نیازمند پیوند قوی‌تر بین فضای تولید علم و سیاستگذاری اقتصادی هستیم. این امر می‌تواند از طریق آموزش و تربیت دانشجویان در زمینه‌های کاربردی اقتصاد و ایجاد ارتباطات مؤثر بین محققان و سیاستگذاران صورت گیرد.

یکی از چالش‌های اصلی در حوزه اقتصاد، گسستگی بین تولید علم و سیاستگذاری است که این گسستگی، موجب عدم استفاده از دستاوردهای علمی در سیاستگذاری‌ها و ناتوانی در حل مشکلات واقعی جامعه می‌شود.

چالش‌های نظام سیاسی و اقتصادی: در جستجوی راه‌حل‌های نو

– بحث استقلال بانک مرکزی در ایران مطرح است، اما این موضوع چالش‌ها و ابهامات متعددی دارد.



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

- برخی معتقدند که انتخابات استانی می‌تواند دغدغه‌های منطقی نمایندگان را کاهش دهد و عملکرد آنها را بهبود بخشد. با این حال، انتخابات استانی می‌تواند آفاتی را نیز به همراه داشته باشد.

- برخی معتقدند که تقویت احزاب می‌تواند اوضاع را در تصمیم‌گیری‌های قانون‌گذاری بهبود بخشد. با این حال، تقویت احزاب در ایران چالش‌های متعددی دارد.

- علامه مصباح در کتاب خود، ایده مجلس متخصصان را مطرح می‌کند. در این ایده، قانون‌گذاران باید در حوزه تخصصی خود تخصص داشته باشند و از طریق فرایندی شفاف و مبتنی بر شایستگی انتخاب شوند.

راهکارهای نوین برای ارتقای نظام بودجه‌ریزی

ایده احیای نظام دو مجلسی در ایران مطرح شده است که برخی از مزایای نظام دو مجلسی عبارتند از: «تقسیم وظایف بین دو مجلس؛ تخصصی شدن قانون‌گذاری و افزایش نظارت بر عملکرد دولت». مطالعات نشان می‌دهد که در برخی کشورها، یکی از مجالس به طور خاص بر مسائل اقتصادی و بودجه‌ریزی تمرکز دارد.

پیشنهاد شده است که مجلس یا کمیسیونی در سایه با حضور اقتصاددانان برجسته تشکیل شود. این مجلس در سایه می‌تواند به کمیسیون اقتصادی مجلس در تصمیم‌گیری‌ها یاری رساند و از دانش و تخصص اقتصاددانان در بودجه‌ریزی استفاده شود. انتخاب اعضای این مجلس در سایه می‌تواند از طریق انتخابات صنفی اقتصاددانان انجام شود.

برای ارتقای نظام بودجه‌ریزی در ایران، نیازمند نظریه‌پردازی، مدل‌سازی و ارائه الگوهای علمی هستیم که این امر باید با توجه به شرایط و ساختار اقتصادی و سیاسی کشور ایران انجام شود و برای توسعه پایدار و رفع چالش‌های اقتصادی در ایران، نیازمند بودجه‌ریزی کارآمد و مبتنی بر علم و دانش هستیم.

با سپاس از همراهی شما تا پایان این سخنرانی. امیدواریم مطالب ارائه شده برایتان مفید و آموزنده بوده باشد. در پایان، از شما دعوت می‌کنم تا با طرح سوالات جدید و ارائه نظرات و پیشنهادات خود، به غنی‌تر شدن این بحث کمک کنید.

پرسش و پاسخ انتهای نشست

پرسش اول:

شما یک موضوعی فرمودید در خصوص انتخاب بد که من می‌گویم انتخاب بد و انتخابات بد. متأسفانه ما می‌گویم



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

مردم انتخاب بد انجام می‌دهند. به نظر شما نقش حاکمیت در انتخابات بد به چه شکلی است؟

پاسخ:

درست فرمودید که انتخاب بد و انتخابات بد دو مقوله مجزا هستند. در مورد انتخاب بد، باید توجه داشت که مردم در هر شرایطی با محدودیت‌هایی روبرو هستند و ممکن است مجبور به انتخاب بین گزینه‌های نامناسب شوند. این امر به عوامل مختلفی مانند فقدان اطلاعات کافی، تاثیرگذاری جریانات سیاسی و رسانه‌ها و نبود تجربه و آگاهی لازم در بین مردم بستگی دارد. برای حل این مشکل، نیازمند ارتقای سطح آگاهی و سواد مردم، افزایش شفافیت در فرآیند انتخابات و ایجاد فضای سالم برای رقابت آزادانه نامزدها هستیم.

پرسش دوم:

شما در صحبت‌هایتان به معضل هزینه‌کرد بالای کاندیدها در انتخابات و عدم وجود راهکار برای مقابله با آن اشاره کردید. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا این موضوع مورد نظر حاکمیت هست یا خیر؟ و در واقع مردم را به سمتی سوق می‌دهد که مجبور به انتخاب‌های بد و دور باطل در حل مشکلات مثل آموزش و پرورش شوند. نظر شما در این خصوص و راه حل پیشنهادی شما برای این معضل چیست؟

پاسخ:

بله، شما به نکته درستی اشاره کردید. این موضوع دقیقاً همان انتخاب بد و انتخابات بد است که به آن اشاره کردم. ساختار فعلی انتخابات به گونه‌ای است که کاندیدها برای پیروزی مجبور به صرف هزینه‌های هنگفت هستند. اگر از من بپرسند که اعضای فعلی شورای شهر قم چه کسانی هستند، به سختی می‌توانم به یاد بیاورم که به چه کسی رأی داده‌ام. این موضوع نشان‌دهنده عدم وجود شناخت کافی از کاندیدها و در نتیجه انتخاب‌های نادرست است.

پرسش سوم:

در دهه‌های اخیر شاهد بوده‌ایم که اعضای شورای شهر پس از انتخاب شدن، زندانی یا محاکمه می‌شوند. دلیل این

اتفاق چیست؟

پاسخ:

برای روشن‌تر شدن موضوع، مثالی از شهر جدید سهند در تبریز ارائه می‌کنم. در این شهر، هفت نفر از اعضای



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

شورای شهر با هزینه‌کرد بالا در انتخابات و خرید رای، به قدرت رسیدند. متأسفانه در حال حاضر پنج نفر از این افراد در زندان هستند. مشابه این اتفاق در شهرهای دیگر مانند کلیر نیز رخ داده است. افراد با صرف هزینه‌های هنگفت در انتخابات و بدون تخصص و دانش کافی، به عضویت شورای شهر درآمده‌اند.

مشکل بغرنج‌تر اینجاست که در تبریز و دیگر شهرستان‌های استان، شاهد این هستیم که هر چقدر کاندیدها پول بیشتری خرج کنند، شانس بیشتری برای پیروزی در انتخابات دارند. این موضوع باعث می‌شود افراد فاقد صلاحیت و تخصص به جای افراد شایسته و کاردان به قدرت برسند.

پرسش چهارم:

شما اشاره کردید که نقش بانک‌ها در تولید پول و نقدینگی بسیار بیشتر از دولت است. با توجه به اینکه بانک‌ها تحت نظارت دولت هستند و مدیران آنها توسط دولت انتخاب می‌شوند، چرا دولت در قبال این موضوع سیاست انقباضی اتخاذ نمی‌کند؟

پاسخ:

اقداماتی در این زمینه انجام شده است، اما اصطلاحی وجود دارد که می‌گویند وقتی مشکلی خیلی بزرگ می‌شود، حل کردن آن دشوار می‌شود. در حال حاضر، مشکلات بانک‌ها، به خصوص بانک‌های خصوصی، به حدی پیچیده شده است که مداخله در آنها بسیار سخت است. این بانک‌ها قدرت زیادی به دست آورده‌اند، هم قدرت اقتصادی و هم قدرت سیاسی.

اخیراً کلبی از دکتر داوودی منتشر شد که در آن مثالی از بانک پارسیان می‌زد. این بانک در دبی سرمایه‌گذاری کرده بود که با مشکل مواجه شد و در آستانه ورشکستگی قرار گرفت. بانک مرکزی مجبور به حمایت از این بانک شد، زیرا در غیر این صورت، مردم اعتماد خود را به کل سیستم بانکی از دست می‌دادند.

واقعیت این است که مشکلات اقتصادی ما بسیار پیچیده شده‌اند. در برخی موارد، عدم تمایل به حل مشکل وجود دارد و در برخی موارد دیگر، مشکلات چنان حاد هستند که حل آنها به سادگی امکان‌پذیر نیست؛ برای مثال، بانکی که ملکی به ارزش بیش از صد میلیارد تومان ساخته است، چگونه می‌توان با این موضوع برخورد کرد؟ حل این مشکل به مسئولانی بسیار قدرتمند نیاز دارد.



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

در جلسه‌ای، یکی از مقامات سابق بانک مرکزی از فردی صحبت می‌کرد که پول زیادی را از بانک خارج کرده و در بازار آزاد فروخته بود. این مقام دولتی گفت: ما حساب‌های این فرد را مسدود کردیم، اما افراد بسیار قدرتمندی با ما تماس گرفتند و گفتند که این فرد آدم خوبی است و ما مجبور شدیم حساب او را دوباره باز کنیم. در چنین مواردی، اگر بانک مرکزی بخواهد قدرتمند عمل کند، باید منافع خود را نادیده بگیرد و قاطعانه برخورد کند، اما این کار به سادگی امکان‌پذیر نیست.

پرسش پنجم:

به نظر من دولت باید بودجه را به صورت سیاست‌گذاری شده ارائه دهد؛ به عنوان مثال، می‌توان برای هر بخش درصدی مشخص در نظر گرفت؛ مثلاً ۲۰ درصد برای آموزش، یک درصد برای فرهنگ و ... سپس این درصدها را به صورت درصدهای کوچک‌تر تقسیم و در نهایت با ترکیبی از جمعیت و عدالت به استان‌ها تخصیص داد. یا ۲۰ درصد به آموزش اختصاص داده شود، این رقم را می‌توان به بخش‌های مختلف مانند پرورش دانش‌آموزان با در نظر گرفتن جمعیت هر استان، اختصاص داد. این روش باعث چابکی و انعطاف‌پذیری بیشتر بودجه و همچنین کاهش دخالت‌ها می‌شود.

در حال حاضر، دولت در مواقع کمبود بودجه، حقوق‌ها را پرداخت می‌کند و از بودجه سایر بخش‌ها کسر می‌کند، بدون هیچ دغدغه‌ای. اما اگر بودجه به صورت درصدی باشد، دولت موظف می‌شود که سهم کامل هر بخش را پرداخت کند. نظر شما در این مورد چیست؟

پاسخ:

فرمایش شما درست است، اما هر کدام از این پیشنهادها چالش‌هایی نیز دارد. مثلاً اگر بخواهیم بودجه را بر اساس سرانه جمعیت تخصیص دهیم، باید بخش اعظم آن را به استان‌هایی مانند تهران، اصفهان و شیراز اختصاص دهیم. این روش دامنه تصمیم‌گیری را محدود می‌کند.

در حال حاضر، بیش از یک میلیون نفر در آموزش و پرورش مشغول به کار هستند و دولت موظف به پرداخت حقوق آنها است. این موضوع باعث می‌شود که برخی از بخش‌ها مانند صندوق‌های بازنشستگی، عملاً دچار انفعال شوند. در بودجه سال جاری، دولت باید بیش از سیصد هزار میلیارد تومان به صندوق‌های بازنشستگی کمک کند.



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

یکی از دلایل این امر، دستکاری در بحث جمعیت و به هم ریختن تعادل ورودی و خروجی صندوق‌ها است. برای مثال، گفته می‌شود که برای هر یک نفر بازنشسته، باید حداقل پنج نفر حق بیمه پرداخت کنند. اما در حال حاضر، در برخی از صندوق‌ها، این نسبت به یک به یک رسیده است. به این معنی که برای هر یک نفر بازنشسته، فقط یک نفر حق بیمه پرداخت می‌کند و دولت مجبور است از بودجه خود به این صندوق‌ها کمک کند. این صندوق‌ها عملاً بودجه را بلعیده و مانع از تخصیص آن به سایر بخش‌ها می‌شوند.

همانطور که شما اشاره کردید، تمرکز صرف بر تخصیص بودجه به صورت سرانه، قدرت تصمیم‌گیری را محدود می‌کند. اگر بخواهیم فعالانه در بودجه‌ریزی نقش‌آفرینی کنیم، باید هدف‌گذاری و جهت‌گیری مشخصی داشته باشیم. همان‌گونه که در مثال حوزه سلامت مشاهده می‌کنیم، صرف افزایش بودجه در بخش درمان، مشکلی را حل نمی‌کند. در این مثال، باید جهت‌گیری بودجه به سمت پیشگیری و بهداشت سوق پیدا کند تا از بروز بیماری‌ها و نیاز به درمان کاسته شود.

اما این تغییر جهت با چالش‌هایی همراه است. قشر زیادی از افراد در بخش درمان مشغول به کار هستند و تغییر ناگهانی در تخصیص بودجه، می‌تواند معیشت آنها را به خطر اندازد. ما در بحث برنامه هفتم توسعه، پیشنهادی ارائه کرده‌ایم که تا حدی به فرمایش شما نزدیک است. به جای برنامه‌ریزی متوازن در تمام بخش‌ها، پیشنهاد می‌کنیم به سمت برنامه‌ریزی نامتوازن حرکت کنیم. این اصطلاح در ادبیات توسعه به این معنی است که در شرایط کمبود منابع، باید تمرکز را بر روی یک یا چند بخش کلیدی گذاشت تا به نتایج بهتری دست یافت.

در برنامه هفتم، پیشنهاد می‌کنیم تمرکز را بر روی آمایش جمعیت و شکستن تراکم جمعیت در مناطق پرجمعیت بگذاریم. این امر می‌تواند به کاهش بار سیستم بهداشت و درمان و همچنین ارتقای کیفیت زندگی در این مناطق کمک کند.

در راستای تمرکززدایی و حل چالش‌های کلانشهرها، ایده‌های مختلفی مطرح شده‌اند که در این سخنرانی به دو مورد از آنها می‌پردازیم:

۱. انتقال پایتخت: این ایده به منظور کاهش تراکم جمعیت و توزیع متوازن امکانات در کشور، سابقه‌ای دیرینه دارد. نمونه‌های موفق از این امر در کشورهای مختلف مانند مالزی مشاهده می‌شود. در مالزی، پایتخت اداری از



بررسی نظام بودجه ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

کوالالامپور به شهر پوتراجایا در فاصله حدود ۴۰ کیلومتری منتقل شد. در این طرح، تمامی وزارتخانه‌ها در یک خط ۱۰ کیلومتری در پوتراجایا مستقر شده‌اند. نکته قابل توجه این است که دولت مالزی برای ساخت این شهر جدید از بودجه عمومی استفاده نکرده است؛ بلکه با واگذاری زمین‌های اطراف شهر به بخش خصوصی، از آنها خواسته تا در ازای ساخت و ساز، از این زمین‌ها برای فعالیت‌های تجاری و مسکونی استفاده کنند. با اجرای این طرح، علاوه بر تمرکززدایی از پایتخت، فرصت‌های شغلی جدیدی نیز ایجاد شده و فضای مطلوب‌تری برای فعالیت‌های اداری فراهم شده است.

۲. انتقال وزارتخانه‌ها به استان‌ها: ایده دیگر برای تمرکززدایی، انتقال برخی از وزارتخانه‌ها به استان‌های مختلف کشور است. این طرح می‌تواند به نفع استان‌ها و تعادل در توزیع امکانات در کشور باشد. البته در اجرای این طرح باید به مسائل امنیتی و پدافند غیرعامل نیز توجه شود. به عنوان مثال، می‌توان با ایجاد یک خط اداری بین تهران و فرودگاه امام خمینی (ره)، ضمن حفظ تمرکز لازم در امور، از تراکم بیش از حد جمعیت در پایتخت کاست. همانطور که اشاره شد، بازآزمایی شهرها و تمرکز بر جانمایی و توزیع فضایی مناسب برای سکونت، فعالیت و خدمات در یک منطقه وسیع‌تر، می‌تواند راه‌حلی برای تمرکززدایی و حل چالش‌های کلانشهرها باشد. اما برای موفقیت این طرح، توجه به موضوع حمل و نقل به عنوان مکمل این بازآزمایی، ضروری است.

یک گروه از ادینبورگ اسکاتلند به تهران آمده بودند و در بازدید از شهر، این نکته را متذکر شدند که به دلیل عدم انسجام در ساخت و سازها، به سختی می‌توان تشخیص داد که کدام قسمت از شهر، حومه و کدام قسمت، مرکز شهر است. آنها برای حل این مشکل، ایده‌ای را مطرح کردند که شامل ایجاد یک شهر مرکزی و ساخت شهرک‌های متعدد در اطراف آن با فاصله‌ای حدود ۷۰ کیلومتر بود. اتصال این شهرک‌ها به یکدیگر با استفاده از سیستم حمل و نقل سریع، می‌توانست انسجام و کارایی را در این ساختار جدید شهری افزایش دهد.

در ایران نیز می‌توان نمونه‌ای از عدم توجه به حمل و نقل در جانمایی شهرک‌ها را در شهر قم مشاهده کرد. ساخت شهرک پردیسان در قم، بدون در نظر گرفتن زیرساخت‌های حمل و نقل مناسب، باعث شده است که در حال حاضر، شاهد پر شدن فضای بین پردیسان و مرکز شهر با ساخت و سازهای بی‌رویه باشیم که باعث شده است تا قم را به یک شهر بزرگ و غیرقابل کنترل تبدیل کند و مشکلات عدیده‌ای مانند ترافیک و آلودگی هوا را به همراه داشته باشد.



بررسی نظام بودجه‌ریزی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی اسلامی

در پی زلزله‌ای که در ترکیه رخ داد، به یکی از نمایندگان مجلس نامه‌ای نوشتم و در آن به خطرات زلزله در تهران و پیامدهای فاجعه‌بار آن اشاره کردم. در این نامه پرسیدم که در صورت وقوع زلزله در تهران، چه تعداد تلفات خواهیم داشت؟ کارشناسان پیش‌بینی کرده بودند که تعداد تلفات در چنین زلزله‌ای می‌تواند به بیش از چهار میلیون نفر برسد. در ادامه نامه، پیشنهادهایی برای بازنگری در جانمایی شهرها و تمرکززدایی از کلانشهرها ارائه دادم. اما نماینده مجلس در پاسخ به این نامه، تنها به این نکته اشاره کرد: «این موضوع قبلاً مطرح شده و در اولویت نظام نیست».

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



نظام بودجه‌ریزی ایران همواره محل بحث و گفتگو بوده است. برخی معتقدند این نظام نیاز به اصلاح دارد تا با اصول حکمرانی اسلامی همخوانی بیشتری پیدا کند. این نشست با هدف بررسی عمیق‌تر این موضوع، به ارزیابی نظام بودجه‌ریزی فعلی از منظر اقتصاد سیاسی اسلامی پرداخت. در این نشست از رویکرد کیفی استفاده شد و شرکت‌کنندگان به بحث در مورد نقاط قوت و ضعف نظام بودجه‌ریزی فعلی از دیدگاه اسلامی پرداختند. همچنین اصلاحات بالقوه‌ای که می‌توان برای نزدیک‌تر کردن این نظام به اصول اسلامی انجام داد، مورد بررسی قرار گرفت.

شرکت‌کنندگان در این نشست چالش‌های متعددی را در نظام بودجه‌ریزی فعلی ایران شناسایی کردند، از جمله: «فقدان شفافیت و پاسخگویی؛ تمرکز بر هزینه‌های کوتاه‌مدت به بهای سرمایه‌گذاری بلندمدت؛ توزیع ناعادلانه منابع؛ کم‌توجهی به عدالت اجتماعی و پایداری محیط زیست». همچنین شرکت‌کنندگان پیشنهاد‌های اصلاحی مختلفی را مطرح کردند، از جمله: «افزایش شفافیت و پاسخگویی در فرآیند بودجه‌ریزی؛ تمرکز بیشتر بر برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری بلندمدت؛ توزیع عادلانه‌تر منابع؛ تأکید بیشتر بر عدالت اجتماعی و پایداری محیط زیست».